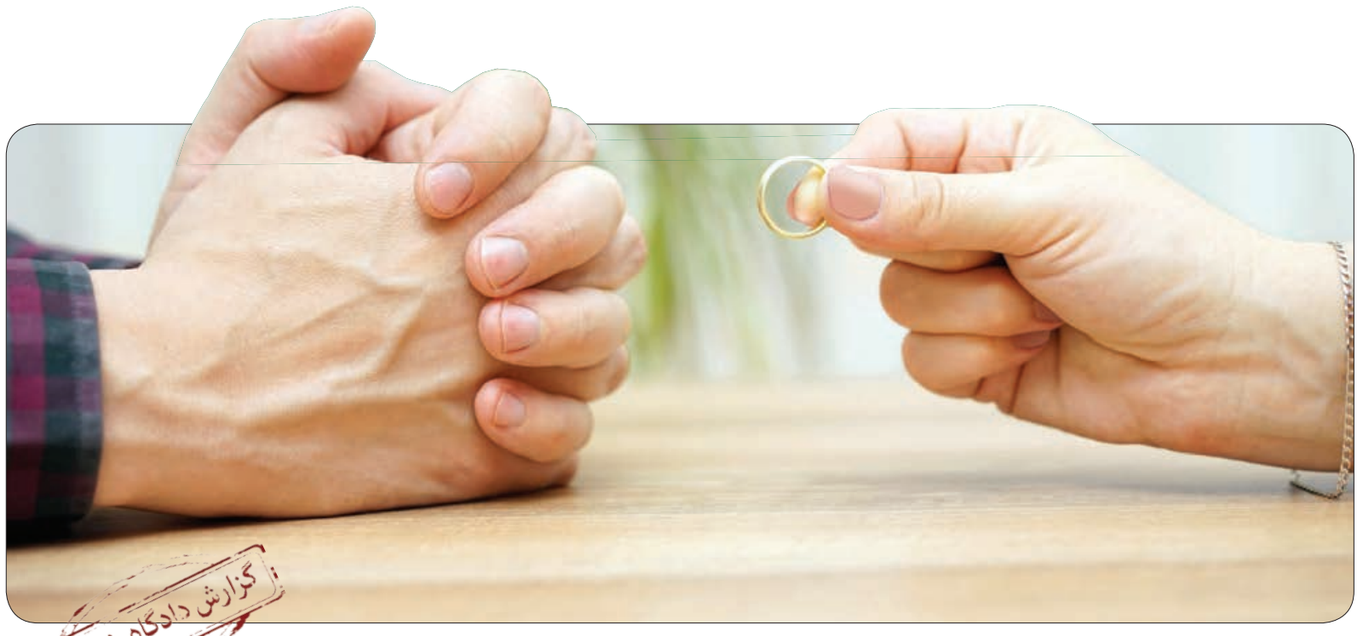

گزارش دادگاه خانواده

عاقبت بی‌اعتنایی دختر به ویژگی های منفی پسر مورد علاقه اش به امید اصلاح شدن او بعد از ازدواج

طلاق، پایان اعتماد به وعده‌های الکی!

امیرحسین صفدری | کارشناس حقوق

گزارش

«کاش حرف پدرم را گوش می دادم و تن به این ازدواج نمی دادم. وعده های دروغ تو برای به دست آوردن من باعث شد تا واقعیت را نبینم و رو در روی پدرم بایستم و الان این جا باشم.» صدای زنی که به نظر کمتر از ۳۰ سال دارد، کمی در سالن دادگاه خانواده بلند شد و توجه‌ها را به خود جلب کرد. جلو می‌روم، خودم را معرفی می کنم و از آن‌ها می خواهم که ماجرای زندگی‌شان را در صورت تمایل تعریف کنند.

۱۰۰ بار خواستگاری در مغازه!

«آرمان» با بیان این که تنها ۲۶ سال سن دارد و تا چند ساعت دیگر مهر طلاق در شناسنامه اش ثبت می شود، صحبت هایش را این گونه شروع می کند: «مغازه من یک سوپرمارکت بود و خانه عاطفه هم در محل مغازه ام بود. تقریبا هفته ای چند بار یکدیگر را می دیدیم. او هر روز یا حداکثر هر دو روز یک بار برای خرید به مغازه من می آمد. بعد از مدتی از او خوشم آمده بود و می خواستم از او خواستگاری کنم اما فکر نمی کردم قبول کند. وقتی هم پیشنهادم را مطرح کردم، او مخالفت کرد اما من کوتاه نیامدم و هر بار که او را می دیدم، اصرار می کردم تا بالاخره یک روز برای صدمین بار (این را به شوخی گفتم ولی زیاد از او خواستگاری کردم)، شاخه گلی را که برایش خریده بودم از من گرفت و آشنایی مان شروع شد.»

۶ ماه آشنایی با وعده های الکی

عاطفه که ساعت تلفن همراه اش را نگاه می کند، آهی می کشد و می گوید: «آن روز که با پیشنهاد آرمان موافقت کردم، اصلا فکر این روز را نمی کردم! او خیلی مرا دوست داشت و اصرار هر بارش با وعده و وعیدهایی که برای خوشبخت کردنم در زندگی مشترک با من داشت، باعث شد تا عاشقش شوم. تقریبا بعد از شش ماه آشنایی، تصمیم گرفتیم که موضوع را با خانواده ها مطرح کنیم و اول من قضیه را با خانواده ام مطرح کردم.»

بی اعتنایی به نتیجه تحقیقات

«عاطفه» که دیگر لرزش اولیه صدایش کاملا از بین رفته بود، ادامه می دهد: «با خانواده ام قضیه را مطرح کردم. همان طور که فکر می کردم، پدرم مخالفت سختی کرد و همه چیز را موکول به تحقیقات بیشتر درباره آرمان کرد. پدر و برادر بزرگم بعد از چند روز، نتیجه تحقیقات شان را به من گفتند: «آرمان پسری رفیق باز است و دوست هایش، آدم های درستی به نظر نمی رسند. اهل شب نشینی است و به احتمال زیاد، مشروبات الکلی هم مصرف می کند.» این ها را پدر و برادرم گفتند اما من نمی توانستم زندگی را بدون آرمان تصور کنم. حدس می زدم با ازدواج، او سر به راه می شود و شب نشینی هایش را هم کنار خواهد گذاشت. بنابراین بعد از کمی گریه و اصرار به پدرم گفتم که اگر اجازه ندهید با آرمان ازدواج کنم، بلایی سر خودم می آورم. آن شب رو در روی پدرم ایستادم و گفتم من می خواهم با آرمان ازدواج کنم حتی اگر شما اجازه ندهید و پدرم هم به خاطر آبرویش و حرف در و همسایه قبول کرد که با این ازدواج موافقت کند.

وابستگی من به دوستانم چیز جدیدی نبود

آرمان با نگاهی به عاطفه از او می پرسد که کاش می دانستم این مسائل برایت مهم است و گرنه هیچ وقت با تو ازدواج نمی کردم. او ادامه می دهد: «زندگی مشترک مان را با دل خوش شروع کردیم. با این حال و بعد از مدت کوتاهی، مدام به دوست های من ایراد می گرفت و هر شب دعوا راه می انداخت که چرا دیر آمدی و با دوست هایت چه کار می کردی؟ این رفتارها برایم کمی تعجب داشت. من به دوستانم وابسته بودم و این مسئله جدیدی نبود اما گیر دادن های او، هر روز بیشتر می شد. من هم اعصابم خرد می شد و بهترین راهکار برای تزریق آرامش به خودم را حضور کمتر در خانه می دانستم.»

مصرف مشروبات الکلی با دوستان

عاطفه که کمی عصبی به نظر می رسد، می گوید: «من ابتدای زندگی به خاطر عشقی که به آرمان داشتم، کمتر از او توضیح می خواستم که چرا دیر به خانه می آیی و ... ؟ اما یک شب که دیر وقت آمد و حالش خوب نبود از بوی دهانش متوجه شدم که باز مشروبات الکلی مصرف کرده است. وقتی از آرمان سوال کردم که چرا دیر آمدی و چرا این لعنتی را کنار نمی گذاری، بحث مفصلی راه انداخت که به تو مربوط نیست و از خانه برو بیرون. من هم بیرون آمدم و به خانه پدرم رفتم. سپس بعد از چند روز با اصرار خانواده ام به خانه مان برگشتم که ای کاش برنمی گشتم! وقتی به خانه آمدم، دیدم که آرمان با دوستانش در حال خوردن مشروبات الکلی هستند و اصلا در حالت طبیعی نیستند. از ترسم به سرعت خانه را ترک کردم و به خانه پدرم رفتم و قضیه را با آن ها مطرح کردم.»

من همان آدم قبل از ازدواجم

آرمان که شاید باید ایرادهایش را بپذیرد، می گوید: «من دیگر به ته خط رسیدم و نمی توانم زندگی مشترک را ادامه بدهم. ترجیح می دهم حداقل شب ها با دوستانم وقت بیشتری را بگذرانم و اگر عاطفه می خواهد باید با همین شرایط من کنار بیاید. من همان آدم قبل از ازدواج هستم و لی عاطفه یک بار عاشقم شده و حاضر نیست پای عشق مان بایستد.»

تحلیل مشاور

وعده ها باید راستی آزمایی شود

نگار مظلوم حسینی | دانشجوی دکترای روان شناسی بالینی

«کاش حرف والدینم را گوش کرده بودم و تن به این ازدواج نمی دادم»، متاسفانه این قبیل جملات را در دادگاه های خانواده یا کلینیک های مشاوره زیاد می شنویم. در عصر کنونی، نظر خانواده ها که بخش مهمی از ازدواج تلقی می شود، کاهش یافته و این مسئله نگران کننده ای است. خانواده ای که از ابتدا در جریان آشنایی نیست بعد از اطلاع و اکنش نشان می دهد و ما ناخواسته اولین برخورد خانواده با فرد مورد علاقه خود را به صورت منفی رقم می زنیم. توصیه می شود که حتما به خانواده خود اطلاع و آن ها را از روند آشنایی خود آگاه کنید. در صورت مخالفت، نظر آن ها را بشنوید و دلایل خود را برای نظرات مخالف آن ها بیان کنید.

راه تشخیص راست بودن وعده ها

نکته دیگری که باز هم زیاد از زوج های ناسازگار می شنویم، این است که فرد با وعده های دروغین باعث فریب طرف مقابل شده است. در صورتی که اگر فرایند آشنایی قبل از ازدواج، دقیق و اصولی طی شود، راه های زیادی برای فهمیدن توخالی یا واقعی بودن وعده ها وجود دارد ولی هر آمد و شدی، مناسب تکمیل فرایند آشنایی قبل از ازدواج نیست! صرف کافه و سینما رفتن باعث آشنایی و شناخت نمی شود حتی اگر سال ها ادامه یابد.

داشتن رفیق زیاد بد نیست اما...

اگر چه رفیق بازی و داشتن دوستان متعدد به خودی خود خصلت بدی نیست اما اگر فرد نتواند در دوران مجردی تناسب بین جنبه های مهم زندگی اش را رعایت کند، به طور مثال مقدار متناسبی وقت را به خانواده و مقداری را به دوستان و مقداری را به کار، ورزش و ... اختصاص دهد به طور قطع بعد از ازدواج هم نخواهد توانست این تعادل را رعایت کند. دوستان ناباب نکته مهمی برای شناخت قبل از ازدواج است که اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست. هر فردی از دوستان خود تأثیر می گیرد و این تأثیر بنا به شخصیت افراد می تواند کم یا زیاد باشد اما در تأثیر گذار بودن آن شکی نیست.

آسیب های مصرف مشروبات الکلی شوخی نیست

از جمله ملاک هایی که افراد قبل از ازدواج باید به آن توجه کنند، ملاک های اعتقادی و ارزشی است. اگر خواستگار شما مواردی دارد که با اعتقادات شما سازگار نیست (مانند مصرف الکل)، ماجرا باید همان جا برای شما تمام شود. از جمله آسیب های روان شناسانه مصرف این مواد که تاثیراتش در زندگی به طور قطع دیده خواهد شد، عبارت است از: «از دست دادن حافظه، تغییر شخصیت، اختلال در سیستم عصبی، به وجود آمدن مشکلات مالی و خانوادگی، رفتار خشونت آمیز، اضطراب و افسردگی شدید و ...»

تغییر طرف مقابل یک باور غلط است

این باور که فرد بعد از ازدواج تغییر می کند باور غلطی است. هیچ گاه به امید تغییر کردن فردی با او ازدواج نکنید. اگر تغییری هم باشد، به احتمال زیاد موقتی است. اگر فردی برای ازدواج با فرد مورد علاقه اش به تهدید متوسل شود، این سوال مطرح می شود که آیا از بلوغ عاطفی و شناخت کافی برای ازدواج بهره مند است یا خیر؟ خیلی مهم است که اگر خواسته یا انتظاری از خواستگار خود دارید، حتما قبل از ازدواج آن را مطرح و درباره آن صحبت کنید و به یک نتیجه که برای هر دو رضایت بخش باشد، برسید. اگر این فکر را در سر می پرورانید که اکنون سکوت و بعد از ازدواج خواسته خود را مطرح می کنم و حرف خود را به کرسی می نشانم، بهتر است سری به دادگاه های خانواده بزنید تا با تعداد زیاد زوج های این چنینی که از ازدواج شان با شکست مواجه شده است برخورد کنید. جنگ اول به از صلح آخر است! این را فراموش نکنید.

دوشنبه ها
خاطرات یک مشاور

چالش برانگیزترین بیمار یک مشاور!

دکتر المیرا لایق
روان پزشک

این هفته از علاقه یک برادر به خواهرش خواهید خواند به همراه ماجرای پرچالش ترین بیمار یک روان شناس که هر روز با او درگیر است.

پرچالش ترین بیمار!

دوست خوش قلمی از من خواسته بود تا از پرچالش ترین بیمار زندگی ام بنویسم. مدت هاست هر بیماری که جلوی من می نشیند، یعنی چالشی تازه، یعنی دنیایی متفاوت با دو تابلوی مشترک: ۱- قضاوت ممنوع. ۲- آدم ها قادرند هر کاری انجام دهند هر کاری، حتی من حتی تو. ما انسان ها پریم از سایکوپاتولوژی های متعدد، مکانیسم های دفاعی نابالغ، خلأهای فکری و روانی و احساسی. مدت هاست به بیمارانم به چشم بیمار نگاه نمی کنم بلکه هر کدام کتابی هستند که باید بیاموزم. لاجرم هر بیماری برای من در نوع خودش در مانگری است بدیع. پس صادقانه بگویم: «پر چالش ترین بیمار زندگی من خودم هستم.»

بدون خواهر نه!

مادر بزرگم اصطلاح جالبی داشت. می گفت بچه های آدم مثل اعضای بدن آدم می مانند. از دست دادن شان مثل کنده شدن بخشی از بدن است و نمی توانی بگویی کدام عزیزترند، قلب یا مغز، چشم یا گوش، بدون آن ها یا ادامه نمی دهی یا سخت می گذرانی و من از این حرفش به این نتیجه رسیده بودم که عزیزترین ها به اعضای بدن نسبت داده می شوند تا این که استاد بزرگوار با من تماس گرفتند و از مراجعه کننده جوان شان برایم گفتند؛ مرد جوان تحصیل کرده ای که تصمیم دارد کلیه اش را برای نیاز مالی خواهرش بفروشد. مادر بزرگم اشتباه نمی کرد اما نمی دانست زمانی می رسد که اعضای بدن قابل جدا شدن هستند. در آن صورت بی شک می گفت: «عزیزان آدم کار اعضا و جوارح بدن را برایش می کنند. بدون کلیه می توانی زندگی کنی اما بدون خواهر نه».

یادداشت

هشدار جدی به خانواده ها درباره فیلترشکن ها

بسیاری از افرادی که بعد از فیلترشدن یکی از شبکه های اجتماعی در حال استفاده از فیلترشکن ها روی تلفن همراه شان هستند، درباره پیامدهای روان شناسانه و مخرب این بدافزارها آگاهی ندارند. یک روان شناس کودک با اشاره به این نکته که هم اکنون باید هشداری جدی به خانواده ها درباره دسترسی به شبکه ها یا سایت هایی داد که با استفاده از فیلترشکن قابل استفاده هستند، نکات قابل تاملی را مطرح می کند. به گزارش ایسنا، هم اکنون نصب فیلترشکن ها، دسترسی بی حد به فضای مجازی را به راحتی امکان پذیر کرده است. در همه کشورها محدودیت دسترسی برای سنین پایین تر که سوادرسانه ای محدودی دارند، وجود دارد. بسیاری از کودکان برای انجام تکالیف درسی خود نیاز مند اینترنت و شبکه های اجتماعی هستند. این در حالی است که والدینی که از سطح اطلاع یا آگاهی کمتری برخوردارند با نصب فیلترشکن آن ها را در مسیر اطلاعاتی قرار می دهند که آثار مخربی برای شان دارد. استفاده از فیلترشکن ها نه تنها برای کودکان بلکه برای دیگر افراد جامعه هم مخرب است. از آن جا که افراد می توانند به راحتی به سایت های غیراخلاقی دسترسی پیدا کنند، حتی ممکن است در حین استفاده از اینترنت به طور ناخواسته وارد سایت های نامناسب شوند. پژوهش ها نشان می دهد این تصاویر و فیلم ها می تواند مانند ماده مخدر عمل کند و آثار جبران ناپذیری به همراه داشته باشد. دسترسی و استفاده از این گونه سایت ها باعث تخریب بنیان خانواده می شود. فرد خود آگاه با آشنایی اولیه به سایت های نامناسب از نظر ذهنی با آن ها درگیر می شود و به تدریج اعتیاد اینترنتی پیدا می کند. چنان چه این شخص در سنین کودکی یا نوجوانی باشد آثار مخرب آن تا سال های زیادی و حتی تا پایان عمر با او خواهد بود. تعدادی از آثار مخرب مراجعه به سایت های غیراخلاقی عبارت انداز؛ انحرافات اخلاقی، کابوس های شبانه، سردرگمی، ترس و اضطراب، قرار گرفتن در معرض خشونت یا تجاوز، افزایش اختلالات جنسی، کاهش علاقه به همسر و فرزندان، آموزش های غلط، وسواس فکری، کودک آزاری و .... بی تردید این یک هشدار جدی برای خانواده هاست که باید به آن توجه کنند.

[...]

والدینی که از سطح اطلاع یا آگاهی کمتری در حوزه مسائل اینترنتی برخوردارند با نصب فیلترشکن روی رایانه یا تلفن همراه فرزندان شان، آن ها را در مسیر دریافت اطلاعاتی قرار می دهند که آثار مخربی بر سلامت روان شان دارد. استفاده از فیلترشکن ها نه تنها برای کودکان بلکه برای دیگر افراد جامعه نیز مخرب است و باید به آن توجه ویژه ای شود

ارتباط با صفحه خانواده و مشاوره

سوالات خود را به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ پیامک یا به راه ارتباطی ما در پیام رسان های داخلی به شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ ارسال کنید.

ارتباط های کلامی غلط و جایگزین صحیح آن (دوشنبه ها - پنج شنبه ها)

والدین و فرزندان

برای واداشتن کودکان به همکاری به جای دستور دادن از روش‌های خلاقانه استفاده کنید

متن: الهام یوسفی
تصویر: سعید مرادی

در آستانه ۳۰ سالگی احساس پوچی می کنم

مردی هستم در آستانه ۳۰ سالگی، متاهل و دارای فرزندی که بسیار دوستش دارم. شغل و درآمد مناسبی دارم و توانسته ام قبل از رسیدن به دهه سوم زندگی، خانه، ماشین و سطح مناسبی از زندگی را فراهم کنم اما با گذشت ۳۰ سال از عمرم و خوشبختی ظاهری که دارم به شدت احساس تهی بودن می کنم. حس می کنم برای این زندگی ساخته نشده ام. گاهی با خودم فکر می کنم تمام آن چه را دارم به نام همسر و فرزندم کنم و از آن ها جدا شوم و راه جدیدی را در زندگی شروع کنم.

رضا یعقوبی | روان شناس بالینی

مشاوره فردی

همان طور که اشاره کردید به بسیاری از خواسته ها و آرزوهای خود در زندگی دست یافته اید اما تمامی این موارد خواسته های بیرونی شما بوده و حال متوجه برخی خواسته های درونی خود شده اید. به نظر می رسد که دچار نوعی بحران هویت در جوانی شده اید. انسان در هر مرحله از زندگی ممکن است با سوالاتی مواجه شود مانند: چه کسی هستم؟ به دنبال چه هستم؟ هدف از زندگی چیست و ....

بحران میان سالی

شما در آستانه ورود به میان سالی با بحرانی مواجه شدید که بحران میان سالی نام دارد. هر چند مهم ترین بحران در زندگی، بحران نوجوانی است و طی آن هویت فرد شکل می گیرد و در راستای شکل گیری این هویت، فرد به پاسخ سوالاتی که در بالا اشاره شد، می رسد اما این بحران در هر سنی می تواند شکل بگیرد و تمام موضوعات زندگی و اهداف آن را تحت تاثیر قرار دهد. بنابراین پاسخ این سوال را باید در درون خودتان جست و جو کنید.

به اهداف و علایق تان خوب فکر کنید

بهتر است این سوالات را از خودتان بپرسید: این روزها ذهن تان درگیر چه موضوعاتی است؟ چه برنامه هایی برای آینده دارید؟ آرزوهای شما چیست؟ آیا شرایط شما در آینده از آن چه که هست، بهتر می شود؟ شما در حرف های خودتان اشاره کرده اید که فکر می کنید باید راه جدیدی را آغاز کنید. این راه تازه چیست؟ آیا آن چه را که الان دارید و می خواهید از دست بدهید، بعدا می توانید دوباره به دست آورید؟ باید در نظر داشته باشید که برخی داشته ها در زندگی مانند خوشبختی و آرامش است. تا موقعی که آن را دارید متوجه اهمیت آن نیستید اما هنگامی که آن را از دست می دهید، به اهمیتش پی می برید. به هر حال به عنوان یک انسان در زندگی محدودیت هایی دارید که دست شما را برای رسیدن به برخی آرزوها می بندد مانند محدودیت عمر. فرصت انسان در دنیا برای رسیدن به اهدافش محدود است و از فرصت موجود هم، زمان مفید آن محدود به دوران قبل از پیری می شود. پس باید تمام شرایط را در نظر بگیرید و سپس اقدام به چنین انتخاب سختی کنید.

کیفیت رابطه را بازنگری کنید

اگر فکر می کنید که زندگی شما دچار روزمرگی و تکرار شده است، به فکر تغییر آن باشید. گاهی با وجود تمام امکانات و کامل بودن زندگی، برخی نیازها نادیده گرفته می شود. به عنوان مثال هیجان و تنوع در زندگی خودش یک نیاز است. حتی یک برنامه غذایی تکراری می تواند کیفیت زندگی را تحت تاثیر قرار دهد. انسان وقتی یک لباس را هم برای مدت طولانی می پوشد، احساس خستگی می کند و دوست دارد آن را تغییر دهد. خودرو، خانه، شغل و ... از این قبیل اند اما آیا زن و فرزند هم چنین هستند؟ اگر خوب دقت کنید انسان درباره دارایی های شخصی اش مختار است که هر طور می خواهد، تصمیم بگیرد و احساس مسئولیت چندانی برای تغییر دادن آن نمی کند اما در خصوص خانواده نمی توان به این راحتی چنین تصمیم گرفت که آن ها را رها کرد و سراغ دغدغه های شخصی را گرفت. شاید در چنین مواردی، احساس مسئولیت و تعهد باعث می شود که طور دیگری تصمیم بگیرید و به خانواده وفادار باقی بمانید.

دنیای فردی خود را گسترش دهید

لازم نیست برای داشتن یک زندگی خوب، حتما تمام پل های پشت سرتان را خراب کنید. این کار می تواند بعدا باعث احساس پشیمانی شود. شما می توانید با حفظ زندگی مشترک فعلی به دنبال پاسخ سوالاتی باشید که در ذهن تان شکل گرفته است. اگر اهداف شما جنبه فردی دارد، می توانید زمانی را به آن اختصاص دهید تا به نیازهای فردی خود نیز توجه کنید. همان طور که در طول روز یا هفته ساعاتی را به کار و کسب درآمد اختصاص می دهید، می توانید از وقت آزاد خود زمانی را به دیگر اهداف فردی خود در زندگی اختصاص دهید.